

(This question paper contains 2 printed pages)

Roll No.

Sl. No of Question Paper: 1422

Unique Paper Code: 209102

Name of the Paper: Paper-II:Modern Prose (a)

Name of the Course: B.A. (Hons) Persian

Semester: I

D

Time: 3 Hours

Maximum Marks: 75

(Write your Roll No. on the top immediately on receipt of this Question Paper)

Note: Unless otherwise required in a question, answers may be written either in Persian or in English or in Hindi or in Urdu; but the same medium should be used throughout the paper.

1- Translate any two of the following passages into English or Urdu or Hindi: 25

از متون زیر، فقط دو را به زبان انگلیسی یا اردو یا هندی ترجمه کنید:

(A)

هشتاد سال پیش ازین پیر مردی از آن نژاد ایرانیان قدیم در هرات ساکن بود. نصرالله هفتاد و چهار سال عمر کرده بود. اصلاً از مردم دهخوارقان بود ولی حوادث جهان او را بهرات برده بود و در آن شهر حمالی می‌کرد. نصرالله از آن کسانی بود که بهیچ چیز دلبستگی نداشت. چون از خردسالی یتیم مانده و هرگز هم زن نگرفته بود احساسات خانوادگی را لغو می‌دانست. اگر در کوچه مادری را می‌دید که کودک نوباوه خود را تنگ در آغوش می‌گرفته و می‌بوسد تعجب می‌کرد.

(B)

در بازار شهر بلخ چه غوغای بزرگی برپاست؟ رفت و آمد مردم، خرید و فروش، فروشندگان که کالای ارزان‌شان را می‌خواستند گران بفروشند، صدای پای تند باربران و کودکان که دنبال سقا برای گرفتن آب می‌دویدند... از همه اینها مهتر، همه‌مهمه مردم که سرگرم زندگانی در میان گرد و غبار بازار پراکنده بودند. همه بسرگرم کار و جلب مشتری بودند. حتی ادهم پینه‌دوز جوان و بی‌مایه که درفش بدست داشت.

(C)

ده روز بیشتر نبود من به ده آمده بودم که برف بارید و زمین یخ بست. شکاف‌های در و پنجره را کاغذ چسپانیدیم که سرما تو نیاید. روزی برای کلاس چهارم و سوم دیکته می‌گفتم. کلاس اول و دوم بیرون بودند. آفتاب بود و برفها نرم و آبکی شده بود. از پنجره می‌دیدم که بچه‌ها سگ ولگردی را دور کرده‌اند و بر سر و رویش گلوله برف می‌زنند. تا بستانها با سنگ و کلوخ دنبال سگها می‌افتادند، زمستانها با گلولوی برف.

- 2- Rewrite any one of the following in your own simple Persian: 15

از متون زیر، یکی را به فارسی روان ساده باز بنویسید:

(A)

کبوتر: من مبشر صلح و آسایشم. افسانه‌ها و روایات قدیمه بر صدق این مدعا شهادت می‌دهند. وقتی که کشتی نوح در آن طوفان عالمگیر سیر می‌کرد و بساط زندگانی انسانهای دوره اول در امواج این بلیه عظمی مستغرق می‌شد. از قراری که کتب مقدسه بیان می‌نمایند. من آنوقت شاخه زیتونی در منقاد گرفته از دنبال سفینه نوح می‌رفتم. از آن روز تبلیغ مزده صلح و آرامش بمن تعلق یافته است.

(B)

یک روز مادر ریگا بگرما به رفته بود. کودک شیرین چند ساله‌ای بازی‌کنان به شاه بانو آمد. چون چشم زن پادشاه به این کودک افتاد او را بسیار شبیه بدخترش ریگا دید. او را پیش طلبید، بغل کرد، بوسید و بیاد دختر جوانش بگریه افتاد. بانوی شاه بامید اینکه او را بفرزندی گیرد. کنیزکانشان را فرمان داد که مادر کودک را پیدا کنند. وقتی کنیزکان نزدیک مادرش شدند، او را شناختند او ریگا دختر پادشاه بود.

- 3- Write a summary on any one of the following: 10

یکی از داستان‌های زیر را خلاصه کنید:

۱. عیدی.
۲. پسرک لبوفروش.
۳. چهار گل.

- 4- Write a short note on any one of the following: 10

گزارش کوتاهی درباره یکی از عنوان‌های زیر بنویسید:

- ۱) محمد حجازی.
- ۲) ش پرتو.
- ۳) فریدون عموزاده.

- 5- Discuss the main characteristics of Modern Persian Prose: 15

خصوصیات نثر جدید فارسی را ایضاح بنمائید.

Or

Write a note on the style of any one eminent Modern Persian Prose Writer.

گزارش کوتاهی راجع به یکی از نثرنویسان معاصر را مورد بحث قرار دهید.